

نام:	حمید	وصیت نامه:	تصویر:
نام خانوادگی:	توحیدی	% ۱۱۷۱۷۰۷	
نام پدر:	جعفر	ش ۱/۶۵/۸۳۹۸ حمید توحیدی	
تاریخ تولد:	۱۳۴۸/۰۷/۰۲	بسم الله الرحمن الرحيم	کد شناسایی:
شماره:	۵	فاما الذين امنوا وعملوا الصالحات	۱۱۷۱۷۰۷
محل صدور شناسنامه:	خوانسار	فيوفيهم اجرهم ويزيدهم من فضله و	کد پایگاه:
تاریخ شهادت:	۶۵/۱۲/۰۵	اما الذين استكفوا واستكبروا فيعذبهم	۶۵ ۸۳۹۸
استان:	بنیاد شهید استان اصفهان	عذابا اليما ولا يجدون لهم من دون الله	
شهر:	اداره بنیاد شهید خوانسار	وليا ولا نصيرا ۱۷۳۰	
نوع حادثه:	حوادث مربوط به جنگ تحمیلی	يا ايها الناس قد جاءكم برهان من ربكم و	
شرح حادثه:	حوادث ناشی از درگیری مستقیم با دشمن - توسط دشمن در جبهه	انزلنا اليكم نورا مبينا ۱۷۴۰	
ملاحظات:			

۴۴۴۳

شهید حمید توحیدی فرزند جعفر در سال ۱۳۴۸ در خوانسار اصفهان در خانواده‌ای خرمنی دیده به جهان گشود. او پس از انقلاب در انجمن اسلامی مدرسه شرکت می‌کرد و در روز انقلاب فعالیت‌های جنبشگری داشت.

او در دوران دانشجویی بسیار سعی نمود و از خصوصیات بارز دین‌داری و سعه صدر بود. حمید در تابستان کار می‌کرد و دست‌زدش را به فقرای محسوس حمید بعد از اخذ دیلم متوسطه از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه امیرکبیر شد و در رشته علوم پزشکی شروع به تحصیل کرد. لازم به ذکر است که حمید یکی از افراد خاری العاده و تیزهوش بوده. او از سن ۱۳ سالگی در جبهه حاضر بود و در همین سن به تحصیل نیز می‌پرداخت. حمید در سن ۱۸ سالگی در اردیبهشت ۵۷ در منطقه سلمچه و در مرحله دوم عملیات کربلای ۵ پس از چند سال مجاهدت به لقاء الله پیوست.

۳ - بارزترین خصوصیات اخلاقی شهید با اراسته نمونه رفتاری :

دارای سعه صدر - صبور - مقاوم در مقابل سختیها - باهوش - آرام - از بدگویی و غیبت
 بیزار بود بطوریکه دیده نشد در طول عمرش کلمه ای تحت یا غیبت یا بدگویی بگوید و هرگاه کسی از
 محفلها که احتمال در آنجا بحث و جدل و تندی بود میگذشت چنانچه در آنجا دراز میکرد
 و به صحبت و تندرستی میپرداخت - زده ای از بدگویی و تندی و جدل دیده نشد -
 با اتفاق و ایثار در برخورد با دیگران و در مواقع نالایک و در فرصتهای مناسب کارهای میکرد و
 حقوق را مستحقان میداد - قبل از نماز در احوال و فقر فقرا میداد و کمکهای
 میکرد

۳ - فم از عایب از وضعیت نامه و سایر آثار فقهی شهید :

این دستنویسها را در روزی شروع به نوشتن می کند که در این روز با برادرش حرکت می کند و ملائمتی اظهار میکند
 نوشته شد روز بزرگتر و بزرگ با امان - روز زنده شدن و احیاء دوباره سلام - روز خوشی
 اوقات خوشی و روز شهادت یعنی روز عاشورا و من می فهمم حکم که می نهد ای هل من ناصر شهیدی
 صحنه ۴) در این زمان بزرگ گرام و زنده شهادت می دهد با کمال آرام چون سرش از صحنه می افتد
 می آید برای معاینه و معاینه دارم که می آید هم اکنون که می خواهم در صحنه خدمت کنند با نام کوان
 خود در صحنه می خوانند و همراه درس ایوان خود را قوی سازند و نیز کبر و تقسیم راه را به بارزید و قدر را فراموش
 نکنید و محمد را در راه سلام وقف خدمت می نمایند و در این معاینه معاینه خود را طوری بزرگ
 کنند که بتوانند حرف جامعه را از هر نظر بزرگ و در ادب و محامل منافع را که با ~~بزرگ~~ مایک تقدایی خود
 جازده اند صحنه را می کنند تا سلام از آن صحنه بخورد و در کارهای خود زخم در بسته باشد
 از پیروانم می خوانم که مرا حلال کنند و از اشتباهاتم بگذرند تا قدری مرا ببخشند و از کبر و غرور
 زنی خط ویران دیده اند طلب خلافت می کنم

اسم رب الشهادة والصالحين

محمد عبد الوہیدی

۱۲۴۷۵ در خواب در خانه ای فرشتی (ید به جهان گشود سر امان) قطع اسب وار
دانشگاه شد و در رسته نیز کسی مسئول به تحصیل شد و او قبل از انقلاب در اخیری اسلام مدرسه
شربت مکر و در نظامات نیز شربت دانش و اعلامیه های حضرت امام (ره) را نیز شنیده بود
او با تدوین قرآن و نماز شب به معبودش تشریف می شد و و احویات خود را در وقت معین امانت می داد
او هیچگاه غیبت نمی کرد و کسی که صحبت نمی زد را این سوره می خواند و معبودش را می صداقت در برابر معبود
از بار زکات و خصوصیات اخلاقی او در تاسیسات کار می کرد و خصوصاً به مصلحت آن می بخشید و قبل از
نجات در احادیث و تشریفات معبود با آن غایت و تقابل تحلیل به صیغه امر می شد و در تاریخ ۵، ۱۲، ۶۵
به ردا معبود می یافت

1066

اور حضرت سائیں در محمد صاف فرماتے ہیں کہ انکے نزدیک عطا کفر میرا روز کی ایک از رو جانوں ہر شتا کی
میں سید وقت حیدر شمس کفریہ گفت: مواظبت میں کیا ہے اس میں سرعہ و مذہب
سرعہ داود ابراہیم جواب داد میرے سب سے زیادہ حصار از گفتن چاہیے آن عامر پور (سید محمد)

میرزا محمد علی اور مصطفیٰ اسد اسلمی بہمن رسید وقت اینست کہ کلاں اول را بہ ہمدیہ بالا رفتہ است و کلاں
بہ دربار رسید و در بار آمد و آئینہا تہ کلاں رسید و اہم را از او پوچش با عیال عالمی نسبت سر خواہد شد است
مواظد اینست کہ با اینان یک لحفل عذرستی (بہرستہ شد)

[illegible]

فکر و راه از و هست باید کرد

25
بیایم از معلمین و محصلین درو، هم اکنون که خواهر در جمع مدرسه حضرت کبیر با شما می توان خود را در خواست و خواه
دگر ایمان خود را قوی سازید و نیز که و علم اعداء سازید و خود را قوامی بکنید و خود را در راه اسلام وقف کنید
عاجه کنید و ای معین، محصلین خود را طوری تربیت کنید که بتوانند در جبهه انزلی نظر بشیر را بفرستند
و عوامل منافق را که با شما لک افتاده اند خود را زده اند و شما را که می کنید تا اسلام از آنان نبرد
تجربه در کارهای خود قطع راسته باشید
30